



× سنات و سیمفونی

نگارش - هاریک درهوانسیان

آقای هاریک درهوانسیان از دانشجویان هنرستان عالی موسیقی است که در شماره یش نیز مقاله ای بقلم ایشان درج گردید نیز همین مقاله را از نظر تشویق چنین هنر جوان مستعد درج می نمایم .

هر تکه موسیقی بنام خاصی نامیده میشود مثلاً سویت - شرزو - بالاد - سرناد و جز آنها و هر يك از این تکه ها کوب (ضرب) و روش خاص دارند که از روی چند ترکیب یافته اند . *شهرشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
اکنون میخواهیم در چگونگی ساختمان سنات و سیمفونی بگفتگو پردازیم تا فهمیده شود ترکیب ایندو چگونه بوده و چگونه باید آنها را شنید .

نخست باید بگوئیم که سنات و سیمفونی فرق ندارند جز آنکه سنات برای يك یا دو ابزار موسیقی ولی سیمفونی همیشه برای ارکستر نوشته میشود و این دو در روش یکسانند در سده های دیرین سازندگان ، تکه ای موسیقی میساختند مرکب از دو رقص کوچک که نخستین آهسته رو و غمناک بود و دومین بخلاف نخستین خرم و تندرو بعداً در سده شانزدهم هانری پرسل (Henry Purcell) سازنده انگلیسی بجای دو رقص سه یا چهار تا با هم مینوشت و آنها را با يك تکه موسیقی محسوب و رشته

(Suite) میخواند . هندل (Haendel) نیز در سده هفدهم رشته (سویت) مینوشت و مخصوصاً پنج بخش زیرین دیده میشد که چهار تای آن رقص و نخستین درآمد است .
۱ - پرلود (Prélude) در آمد .

۲ - آلمانده (Allemande) رقص جدی چهار کوبی که گمان میرود رقص آلمانی باشد .

۳ - کورانت (Courante) (میانه رو) رقص خرم سه کوبی که برای رقص کورانت مینواختند .

۴ - سارابانده (Sarabande) رقص خیلی جدی و آهسته رو سه کوبی که رقص اسپانیولی بود .

۵ - ژیک (Gigue) رقص زنده دل و خرم با کوبش $\frac{6}{8}$
رقصهای رشته های (Suite) باخ (Bach) از همه بیشتر بود . او افزون بر رقصهای بالا سه رقص دیگر نیز نوشته است .

۱ - بورره (Bourrée) رقص خرم فرانسسه چهار کوب که جمله بندی از کوب چهارم آغاز میشود .

۲ - گاوته (Gavotte) مثل بورره ولی جمله ها از کوب سوم آغاز میشوند .

۳ - منوئه (Menuet) رقص کوچک و ساده سه کوبی .

پس باید گفت که سنات و سیمفونی نیز به رشته (سویت) میمانند زیرا اینها هم از چندین تکه ترکیب شده و یک تکه بزرگ موسیقی با اسامی خاص تشکیل داده اند این تکه های کوچک سنات یا سیمفونی را جنبش (Mouvement) مینامند شاید شنیده باشید که میگویند جنبش یکمی فلان سنات را دوست دارم یا از جنبش آخرین فلان سیمفونی چیزی فهمیده نمی شود و جز آنها . جنبش نخست معمولاً از همه واجبت و درازتر است در سنات یا در سیمفونی این جنبش همیشه در روش خاصی است که آنرا فرم (شکل) سنات یا سیمفونی نامند و آن از قرار زیرین است .

۱- جنبش نخست یا فرم سنات - هنگامی که يك ملدی بفرسازنده میرسد آنرا با هارمنی زیبا مینویسد و بعد یکی دیگر (بیشتر اوقات دومی با کلید دیگر نوشته میشود تا اختلاف داشته باشد) برای پیوستن این دو تکه يك گذاره (Passage) نیز میگذارند که یکی را بدومی پیوند کند و برای همین آنرا یل گذاره خوانند پس جنبش نخست را زمینه نخستین و دوم را زمینه دوم نامند باید دانست که این دو زمینه کوتاه نیستند بلکه دراز و پر از ملدی و هارمنی. بعد از زمینه دوم تکه دیگری نیز بآن میافزایند که این دو زمینه را مرزبندی کند و آنرا Coda یا دنباله نامند پس همه این تکه ها که گفته شد بخش یکم سنات است و باید که این بخش نهاد یا نمودار (Exposition) سنات یا سیمفونی باشد لذا این دو زمینه را با دنباله (نهاد یا نمودار سنات یا سیمفونی) نامند.

بعد از نهاد سازنده زمینه یکم را با راههای دیگر و روی کلید های مختلف و گامهای کونا کون تکرار میکند و همچنین زمینه دوم و نهاد را بسط میدهد اینست که این تکه را بسط یا گسترش (Développement) سنات یا سیمفونی نامند هر سازنده انبساط مخصوصی میدهد پس نمیتوان گفت بسط ها یا گسترشها چه قانونی دارند بعد از گسترشها تکه تلخیص آخری (Récapitulation) است که این تکه تنها تکرار است از دو زمینه نخستین با این فرق که هر دو زمینه روی يك کلید نوشته شده و برای انجامش جنبش نخست يك Coda یا دنباله درازی بیایانش می پیوندد تا آهنگ با انجام رسد

۲- جنبش دوم - آشکار است که پس از جنبش نخست سنات یا سیمفونی که تند رو است باید يك تکه سنگینی بیاید و آن همین جنبش دوم است که بیشتر اوقات از سه تکه زیرین تشکیل میشود.

منوئه (Menuet) رقص سبک و کوچکی است سه کوبه بیشتر اوقات سنگین

تریو (Trio) منوئه است ولی ساده تر از آن و بانخستین یکسان نیست

شوخی (Scherzo) منوئه است لیکن زنده تر و کمی تند روتر

۳- جنبش سومی - جنبش سومی سنات یا سیمفونی گاهی همان صورت جنبش نخستین را دارد لیکن بیشتر اوقات روند و (Ponds) ایست که زمینه خاصی دارد و پشت سر هم مکرر میشود بدین ترتیب که مثلاً زمینه مخصوص I است که پشت سرش زمینه II و دوباره I و بعد يك زمینه دیگر III که گاهی بجای این زمینه گسترشها نیز می نشیند بعد دوباره زمینه I و جز آنها جنبش سومی یا جنبش آخری سنات یا سیمفونی همیشه با کوب تند رو تمام می شود.

البته شناسانیدن آنکه های موسیقی روی کاغذ بی اندازه دشوار است برای شناختن سنات یا سیمفونی باید هر چه بیشتر آنها را شنید تا رفته رفته بجنبشهای آنها آشنا گشته و در فهم آنها سختی و دشواری پیش نیاید.

